



لیلا عبداللهی

منتقد و مترجم

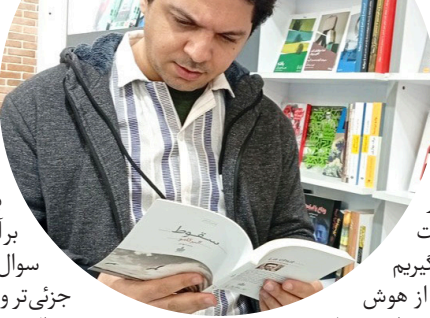
«جمهوری مشعشع» تمام قدرت شگرف یک افسانه یا قصه را دارد. این کتاب همچنین نگرانی هایی را که امروز بسیار مهم هستند، مطرح می کند: درباره کارکرد و منبع زبان، درباره پارانویا و هیستری عمومی، درباره ایده جامعه و چگونگی گسترش اطلاعات. در مرکز این کتاب داستانی شخصی و تاثیرگذار درباره یادآوری و از دست دادن قرار دارد. روایت کتاب جذاب است، گاهی بازیگوش و کاملاً جالب. این نظر کالم توپین، نویسنده برجسته ایرلندی و برنده جوایز معتبر جهانی است درباره کتاب «جمهوری مشعشع» اثر آندرس باربا که به تازگی با ترجمه قاسم مومنی از سوی نشر ماهی منتشر شده است. این کتاب برنده جایزه پرمیو هرالد در سال ۲۰۱۷ شده و به عنوان یکی از کتاب های برتر سال ۲۰۱۷ مجله میلیونز ولایت هاب معرفی شده است. وقتی از زاوی در جمله اول رمان «جمهوری مشعشع»، نوشته نویسنده اسپانیایی آندرس باربا، درباره ی ۳۲ کودکی که جان خود را در سان کریستوبال از دست داده اند، پرسیده می شود، او پاسخ خود را بسته به سن فرد پرسشگر تغییر می دهد. این جمله ابتدا شبیه یک گره داستانی هیجان انگیز به نظر می رسد و همچنین زمینه ای برای تفکر و تحلیل فراهم می آورد. این آغاز به نوعی نمایانگر ساختار کتاب است: داستان جنبایی ای که توسط یک کارمند دولتی متواضع و بدون نام روایت می شود که در حال مرور دوران خدمت خود به عنوان یک مقام دولتی در استان ها و ازبایی نقش شخصی اش در یک فاجعه عمومی است. سان کریستوبال یک شهر آرام و بی چهره است، شهری درونی که توسط رودخانه و جنگل احاطه شده است. جامعه آن در همزیستی ناپایدار اما عمدتاً صالح آمیز با جمعیت بومی زندگی می کند. در یک مقطع، گروهی از کودکان مرموز، از ۹ تا ۱۳ ساله، به خیابان های شهر وارد می شوند. «۳۲ نفر»، همه طوطی که در طول کتاب اغلب از آن ها یاد می شود، به زبانی ناشناخته صحبت می کنند، در مکان های عمومی می چرخند و در ابتدا شبیه به گدایان جوانی به نظر می رسند که شهر به آن ها عادت کرده است. اما در حالی که گدایان معمولی «ساده و غمگین» هستند، این تازه واردان «نوعی خودپسندی داشتند که تقریباً اشرافی بود. به زودی گزارش هایی از حملات منتشر می شود؛ و تنش ها به تدریج به کشتار در یک سوپرمارکت ختم می شود، جایی که «گروه کوچک» نهایتاً دو مشتری را به قتل می رسانند. پس از فرار کودکان، یادآوری رازی بیشتر بر تأثیر آن حادثه بر جامعه محلی متمرکز می شود تا خود حادثه. یک صنعت فرهنگی کوچک - نمایشگاه های عکس، مطالعات علمی و شوهای رسانه ای - متاثر می ناپدید شدن آن ها شگوف می شود. مقامات محلی که قادر به یافتن کودکان گمشده یا کاهش اضطراب عمومی نیستند، بین نمایش ضعف های سیاسی و پیشنه های اقتدارگرایانه مانند ایجاد مراکز بازداشت ویژه، در نوسان هستند. کودکان خود شهرنیز می کنند جیب مرموزی به مرموزی به هم تاپان خارجی شان دارند، گوش هایشان را به زمین می گذارند تا صدای گام هایشان را بشنوند؛ برخی حتی خود را می زنند برای یافتن آن ها فرار می کنند. «جمهوری مشعشع» برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ در اسپانیا منتشر شد، اما موضوعات آن در امروز جهان تقریباً به شدت مرتبط به نظر می رسد، جایی که نمی توان واژه های «مرکز بازداشت نوجوانان» را بدون فکر به مرز آمریکا و مکزیک یا مرز افغانستان و ایران و ترکیه و یونان یا کشورهای دیگر خواند. اما پتانسیل تمثیلی رمان به دلیل رازی ای که خیلی چیزها را توضیح می دهد، محدود می شود. او به طور مداوم به پیامدهای اجتماعی ناپدید شدن کودکان پرداخته و آنگرد بر آن تأکید می کند که به عبارتی تکراری می رسد («از دست دادن اعتماد شدید به دل شکستگی است»، «وقتی مردم می ترسند همان طور که وقتی عاشق هستند توجه می کنند»)، یا به سخنرانی طولانی در مورد سیستم قضائی پرداخته یا شکایت بدهی را به شکلی پیچیده بازگو می کند («اینکه برخی اید ها خیلی مسخره به نظر می رسند، مانع از حقیقت بودن آن ها نمی شود. «جمهوری مشعشع» رمانی جذاب و خواندنی است که به تعبیر خوان گابریل واسکز نویسنده برنده جایزه دابلیو برای رمان «صدای افتادن اشیا»، یک حکایت پرتنش و نگران کننده است که می تواند به عنوان داستانی مشابه «سالنامه مگس ها» شاکهار ویلیام گلدینگ از زاویه ای دیگر دیده شود. اما این دیدگاه از اصالت عمیق جهان آندرس باربا می کاود. با این همه، «جمهوری مشعشع» رمانی چالش برانگیز است که توانایی آندرس باربا را در ساختن روایت هایی با عمق احساسی و وزن فلسفی منعکس می کند. این رمان با آمیختن تفسیر اجتماعی با روایتی جذاب، مراقبه ای قدرتمند در مورد خطرات ترس جمعی، انسان زدایی از دیگری و شکستگی هنجارهای اجتماعی ارائه می دهد و از طریق شخصیت های زنده و طرح نگران کننده اش، بررسی به موقع و قانع کننده ای است از راه هایی که در آن جوامع می توانند زیر بار ترس ها

و تعصبات خود فرو بریزند. این رمان کوتاه، تصویری هشداردهنده از جهان امروز ما است؛ چه مایه وحشت لازم است تا مجبور شویم تصورمان را از کودکی - و از نظم و خشونت تمدن - از تعریف کنیم؟

در گفت و گو میبزرزاد با «آرمان ملی» مطرح و بررسی شد

معرفی هوش مصنوعی به عنوان «همکار» در خلق اثر

ضرورت تبیین اخلاق علمی و پایبندی به آن



به آن اجرای آن باشند. در برخی از موارد هم مساله گوهی نامه اخلاق استفاده از هوش مصنوعی هم مطرح می شود که کار کاربر به مباحث قضائی، امنیتی نکشد و این برای امنیت جامعه در برابر انسان های روان پلید و تروریست کاملاً منطقی است. البته در نظر بگیریم که جدای از مزیت های استفاده از هوش

مصنوعی، این فناوری می تواند در توانمندسازی سیستم های نظارتی و دولتی دولت ها علیه مخالفانشان به معنای فوکویی کلمه، استفاده شود همان طور که جورجیو آگامبن فیلسوف ایتالیایی در مصاحبه ای با ژولیت سرف در خصوص سیستم های بایومتریک می گفت؛ این سیستم ها قبلاً برای نظارت مجرمان سابقه دار ابداع و استفاده می شده و امروز به هر شهروند به مثابه یک تروریست می نگرد. آگامبن با این اوصاف بازگشت نونفاشسیم در اروپا را نوید می داد! این بار این نظارت با هوش مصنوعی در سطح وطنی و جهانی اتفاق افتاده و در نتیجه باعث می شود آزادی اندیشه و بیان بیش از پیش محدودتر شود.

در ادامه با این هشدار مواجه ایم که جایگاه هوش مصنوعی به عنوان «همکار» می تواند در مسیری توسعه ای علم، به چنین خطوط قرمزی پایبند بود؟

این موضوع بستگی به نگرش و دایره کاربرد ما از این پدیده پیشرفت دارد که جایگاه هوش مصنوعی را به عنوان همکار توانمند تلقی کنیم یا رقیب؛ البته هر دو می تواند باشد. در یافت ادبیات اگر بخواهیم به این پرسش فکر کنیم، تا به حال کمتر دیده ایم شاعر یا نویسنده ای بیاد صمیمانه و صادقانه بگوید این شعر یا داستان را با همکاری هوش مصنوعی نوشتم. غالباً برخورد درگاه های راسخده بوده ام با هوش مصنوعی به مثابه یک «دیگری» نفرت انگیز دیده شده و بیشتر همکاران ما با حالتی از خوارداشت و تحقیر به دنبال ضعف ها و کاستی های آن می گردند، یا شیفتگی و اعتیاد به جت جی بی تی ها شاید در خفا دارد اتفاق می افتد و مایه خیر هستیم... مساله در عرصه های دیگر جدی تر است؛ در خبرها خوانده ایم که «هایانو میازاکی، انیمه ساز افسانه ای و هم بنیان گذار استودیو جیبلی، از هوش مصنوعی انتقاد کرده و آن را توهمین به زندگی دانسته است» و انتقادش به هوش مصنوعی به خاطر عدم انعکاس درد و عواطف انسانی است. شاید برای شما جالب باشد که به نظر می رسد خطوط قرمزی در میان نباشد اما الگوریتم های تشخیصی هم وجود دارند؛ برنامه هایی که می توانند تشخیص دهند خصایص زبانی یک اثر علمی یا ادبی را که مد نظر است، سروده انسان است یا ماشین.

ممکن است کمی بیشتر درباره استفاده به عنوان همکار... توضیح دهید؟ مثلاً اشاره کرده ایم به بهره مندی از هوش مصنوعی در غنای زبان.

بله؛ در زمینه ادبیات و علوم انسانی اگر شما بیشتر کار پژوهشی در رستور دانشگاه انجام می دادید، سعی می کردید طرح و موضوع پژوهشی خود را با استیاد راهنما و مشاور رشته تخصصی خود در میان بگذارید و بعد بروید دنبال منابع و داده های پژوهشی (کتاب ها، مقالات، رساله ها، بانک مقالات در فضای مجازی،

اس اس دی، ساینس دایرکت، گوگل اسکالر و بعد تک تک موارد مرتبط را از دل متون مورد نظر در بیابارید که مرتبط به موضوع مورد بحث تان باشد. امروزه برای شناخت آثار ادبی برجسته جهان، یا نقد و پژوهش درو بران آثار می توانید از جت جی بی تی ها سوال بپرسید و هرچه این سوالات ریزتر، جزئی تر و مصداقی تر باشد، جواب ها هم به همین منوال خیره کننده است و می توانید با درمیان گذشتن فکر و ایده خود و تفکر درباره ایده ای که هوش مصنوعی می دهد از این ابزار هوشمند که بیشتر از ۱۴۰ میلیارد پارامتر دارد به نتایجی برسید. اگر شما با برنامه دیپ سیک کار کرده باشید، می بینید که این برنامه نسبت به نسخه جت جی بی تی آمریکا قابلیت های متفاوتی فراتر از الگوی زبان طبیعی دارد. یکی از آن قابلیت ها، خلق وارسیمون های زبانی، یعنی متون مختلف است؛ مثلاً شما از دیپ سیک می توانید یا جمله دستوری بخواهید که «به این شعر لحن اعتراضی بده اما به سبک بیان کلمات شعر زوره آلن گینزبرگ آمریکایی» یا «شعری را که به تو دادم به سبک سوررئالیستی گارسیا لورکا رن را باز نویسی کن» یا دیگر ایده های ابتکاری و تلفیقی که شما می دهید و او یک نمونه زبانی، شکلی و روایی متفاوت تحویل تان می دهد که اشتراک میان عامل انسانی و هوش مصنوعی است. خواه اینکه سلیقه ادبی عده ای را راضی نگه ندارد یا نه، او رویکرد تعاملی، در حال حاضر زائری جدید است در ادبیات.

همان طور که اشاره کرده اید، اصالت «تجربه زیسته» و ماهیت «انسانی» از کلیدواژه هایی است که در تمیز بین ماشین و انسان به کار می رود، اما عنایت دارید که هوشمند، اساساً در ارتباط با پیرامون و آموزش پذیری و تجربه گرایی تعریف می شود. به عبارت دیگر یک سیستم هوشمند، روز به روز در حال رشد، توسعه و تجربه زیسته است که این تجربیات می تواند انسانی باشد. با این اوصاف، چرا فکر می کنید همچنان شعری که سروده یک انسان است، ممتاز از تولید ماشین و منحصر به فرد خواهد بود؟

همان طور که در یادداشت «خطر هوش مصنوعی و آینده ادبیات» نوشته ام این جواب که «تجربه زیسته» و «ماهیت انسانی» شعری که خط فاصله ای میان شعر ماشینی و شعر انسانی ایجاد می کند، فعلاً دلیل غالب است؛ آن هم به نفع شاعران امروز، چندان هم دلیل مستحکم نیست. چه تعداد شاعران در بیان و اجرای تجربیات زیسته خود موفق بوده اند؟ مساله عوامل دیگر هم است. همان طور که می دانید چهارماه پیش در نشریه با تخیلی میلیون ها شعر از سبک ها و دوره های مختلف، الگویی سرپرست این مطالعه اظهار کرد که هوش مصنوعی قادر است با تخیلی میلیون ها شعر از سبک ها و دوره های مختلف، الگویی را شناسایی کند که حتی شاعران با تجربه نیز ممکن است از آنها غافل باشند و در ادامه این سوال را هم طرح کرد که آیا این الگوریتم ها واقعاً خلاق اند یا صرفاً بازنمایی از داده های موجودند؟ در کنار افرادی هم مثل جولیان بارنز رمان نویس بریتانیایی هم هستند که می گویند هوش مصنوعی شاید از نظر نظری چشمگیر باشد اما فاقد آن «لرزش وجودی» است که تنها از تجربه زیسته

انسان سرچشمه می گیرد. ماشین ها هرگز نمی توانند درد را دست دادن یا شور عشق را آنگونه که یک شاعر درک می کند، بیان کند. هوش مصنوعی از الگوهای زبانی، مفهومی، شکلی شعر از پیش موجود استفاده می کند، کاری که انسان هم می تواند بکند، با این توضیح که انسان بیش از ۱۴۰ میلیارد پارامتر برای تحلیل در مدت زمان کوتاه ندارد، اما تفاوت در اینجاست که تجربه زیستی یا آکونیت تجربی که انسان به عنوان شاعر طی می کند و آن تجربه ای عاطفی و فکری با زاویه دید متفاوت است، فعلاً کار ماشین هوش مصنوعی نیست. شاید روزگاری نه چندان دور فرایرسد که هوش مصنوعی بدن مند و خود آگاه شود (آنچه مشابه اش را در ساخت و پرداخت ریات های عاطفی می بینیم!) و بتواند حس شهودی و رویکرد عاطفی موقعیت مند پیدا کند و تولید انبوه شود. آنگاه مطمئناً خطر اساسی متوجه شاعران و فراتر از آن نیروی کار هم خواهد بود؛ چنان که از همین حالا هم هوش مصنوعی برخی از شغل ها را تهدید می کند، مثلاً شغل ویراستاری یا ترجمه، مملعی و امور اداری. هرچند با هم باید متغیرها و سیاست های کلان را در نظر گرفت. کار شعر سرودن از حیث وجود شناسی و تاریخ، هنر انسان ها بوده است و هوش مصنوعی نمی تواند تاریخ را دگرگون کرده یا از بین ببرد اما درباره تاریخ آینده، مساله قدری غیرقطعی است.

تعبیری که شما از یاد کرده اید - مثل عشق، ریشه و اصالت، خاک و خون، عدالت، رنج، آزادی خواهی و... - همه مفاهیمی را شامل می شوند که انسان هرکدام از آن ها را در ذهن خود ثبت می کند و تأثیرات آن ها نیز از طریق مدیریت هوشمون ها در فیزیولوژی بدن، احساس و کنترل می شد. همه این موارد، یعنی از ذخیره و بازیابی اطلاعات و همچنین تأثیرات انسانی (یعنی تجربه انسان در مواجهه با هر مفهوم) از طریق ماشین قابل درک، تحلیل و تکرار است. با این حساب، واقعا فکر می کنید در آینده، رشد به پای انسان را در آثار ادبی و هنری تشخیص داد؟

ببینید همه هراس یا اضطراب وجودی ما در مواجهه با هوش مصنوعی، همین احساس بی معنایی از موثر بودن عمل انسانی است و دیگر اینکه توانایی شناخت دقیق میان اصل و ناموده را نداشته باشیم. به عبارت شفاف تر ما می ترسیم هنر و ادبیات با نمایشی بر فرهنگ و هنر انسانی غالب شود و ما احساس سترونی در جهان ادبیات و هنر بکنیم. مفاهیمی مثل عشق، ریشه، اصالت، خون، آزادی و عدالت... مفاهیم انسانی تقلید پذیری هستند، اما در طول تاریخ تا به امروز این مفاهیم جزو امور پربالامتیک انسانی بوده است که محل نزاع فیلسوفان و دانشمندان بوده و مهم تر عملی انسان به این مفاهیم است که یک ماشین هوش مصنوعی این امر برایش تائین لحظات که من می کند این مفاهیم را صرفاً می تواند به لحاظ زبانی نقد و تحلیل کند. از سوی دیگر ما باید همواره رویکرد انتقادی به فناوری های که احتمال تهدید و آسیب به بشر را دارند، داشته باشیم به ویژه وقتی مساله راجحیت ماشین بر انسان مطرح می شود چه در هنر چه در علم، قرار نیست ما برده هوش مصنوعی و آن ارباب بلانما ع ما باشد. مساله در بهترین شکلش در خدمت بودن ماشین برای انسان بوده و هست. اما در خصوص تشخیص رد پای انسان این راهم بگویم همین الان هم ابزارهای تشخیص سرقت ادبی Turnitin اخیراً به روز شده اند تا بتوانند تشخیص دهند که آیا بخشی از یک متن یا مقاله توسط هوش مصنوعی تولید شده است یا نه. این ابزارها البته در حوزه های آموزشی و دانشگاهی بیشتر کاربرد دارند. با ابزار دیگری به نام GPTZero ابزاری که ادوارد تیان توسعه داده و از معیارهایی مثل پیچیدگی و بی قاعده گی برای تمایز بین متون انسان نویسنده و هوش مصنوعی بهره می برد. یا دیگر ابزارها GLTR توسط محققان دانشگاه ام آی تی توسعه داده شده، این ابزار با نمایش روند های آماری (برای مثال احتمال کلمه های انتخابی) نشان می دهد که آیا متن مورد نظر مطابق با الگوهای رایج هوش مصنوعی است یا نه. اگر متن بسیار قابل پیش بینی باشد (یعنی احتمال انتشار کلمات یا عبارات توسط مدل های زبانی بسیار بالاتر از حالت طبیعی باشد) احتمال داده می شود که توسط یک مدل هوش مصنوعی تولید شده است. بنابراین در این زمینه هانتها کسانی متضرر می شوند که فکر می کنند راه های شناخت متن و هنر انسانی از ماشینی وجود ندارد و متون ماشینی را به عنوان تالیف خود به نام خود می زنند. هرچند مساله تعامل و اشتراک انسان با هوش مصنوعی به عنوان همکار هم، موردی بحث برانگیز است چرا که مدغغه مالکیت اثر و حقوق معنوی آن مطرح است.

هشتمین دوره نگارش و ویرایش برگزار می شود

SID
هشتمین دوره نگارش و ویرایش

هشتمین دوره جامع نگارش و ویرایش

۱۳۰ جلسه

آغاز دوره: ۶ آذرماه ۱۴۰۴

رواهای نوح: ۱۷۳۰، ۵۱۶، ۱۹۳۰، ۵۱۸، ۱۹۳۰، ۵۱۸

روزهای ۲ جلسه

صنفي روزنامه نگاران تخفيف ویژه ی ۲۰ درصد در نظر گرفته و شهریه ی آن را نیز به صورت اقساط تبیین کرده است. امکان استفاده از جلسات آموزشی به صورت آنلاین نیز وجود دارد.

کنند. دانش آموزان این دوره، با دریافت نمره ی قبولی در امتحانات، گواهی دریافت خواهند کرد. همچنین، با توجه به فرصت های شغلی در حوزه ی ویرایش و آماده سازی کتاب، می توانند با انجمن صنفی یا با مراکز فرهنگی همکاری کنند و نیز برای تکمیل دانسته هایشان در دوره های کارورزی یا تکدرس های تکمیلی این انجمن شرکت کنند. دوره ی جامع نگارش و ویرایش در ۱۳۰ جلسه و در روزهای زوج از ساعت ۰۰:۱۶ تا ۰۰:۱۹، به صورت برخط (آنلاین) برگزار می شود. انجمن صنفی ویراستاران برای اعضای اهل قلم با تخفیف ویژه ای در ویرایش نظر گرفته و شهریه ی آن را نیز به صورت اقساط تبیین کرده است. انجمن صنفی ویراستاران از سال ۱۳۹۶ تاکنون، هرساله دوره نگارش و ویرایش برگزار خواهد شد. هشتمین دوره نگارش و ویرایش این انجمن از ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ و به مدت هفت ماه است، فراگیری فنون ویرایش برای انواع متون نادرستان و داستانی است. این دوره ادامه دوره های دوره های نگارش و ویرایش در ایران و به مدت هفت ماه است، فراگیری فنون ویرایش برای انواع متون نادرستان و داستانی است. این دوره ادامه دوره های دوره های نگارش و ویرایش است که مرکز نشر دانشگاهی مبدع آن بود و تا ۱۳۹۴ آن را برگزار می کرد. در این دوره ۱۰ کارگاه برگزار می شود، ویرایش زبانی، مفاهیم بنیادی در زبان فارسی، دستور خط فارسی، نشانه گذاری، ویرایش رایانه ای، عربی در فارسی، ویرایش ترجمه، ویرایش استنادی و مرجع شناسی، نمایه و ضبط اعلام، آشنایی با مبانی نشر، متقاسبات ورود به حرفه ی ویراستاری باید دانشی نسبتاً کافی در همه ی این حوزه های تخصصی باشد. از امتیازهای این دوره برخط بودن آن است که فراگیران می توانند علاوه بر حضور در جلسات برخط، از فیلم های ضبط شده به صورت برون خط استفاده